

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

دگرمن احمد کندهاری .

۲۹ دسمبر ۲۰۱۵

ششم جدی سال ۱۳۵۸

ششم جدی سال ۱۳۵۸ در صفحه تاریخ افغانستان از جانب همه جناح های سیاسی و بین المللی به استثنای باند «خلق و پرچم» من حیث یک روز سیاه و نحس شناخته شده است.

برای زندانیان پلچرخ روزهای آغازین ماه جدی ۱۳۵۸ روز های بسیار تاریک و شومی بود ، پرده سیاهی تحت شعار «قانونیت ، مصونیت ، عدالت» حکومت خونتای "حفیظ الله امین" بی عدالتی های جهان را بر فضای افغانستان و زندانهای کشور از جمله زندان پلچرخ افراشته بود .

بلاک دوم که زندانیان سیاسی در آن به زنجیر کشیده شده بودند ، اکثریت آنها شامل روشنفکران و تحصیل کرده ها و اهل خبره مراکز تحصیلی اکادمیک بودند . ولی اکثریت این زندانیان بدون تحقیق و دوسیه در بی سرنوشتی و سردرگمی رنج سلول های تاریک زندان را متحمل می گردیدند . که هر لحظه آن با تحقیر و توهین محافظین بیسواد و ضابطان بی شعور توأم بود .

بعداز "جلوس امین" (۲۵ سنبله ۱۳۵۸) فضای زندان سکوت مرگبار داشت که هر شب و یا روز دسته دسته از زندان به نام (بیا که خلاص شدی) راهی اعدامگاه می شدند . به روشنفکران ملی و انقلابی معلوم نبود که چه وقت نام خوانی خواهند شد هر کس باخود لحظه شماری مرگ را داشت . در ماه سنبله بعداز اعلام شعار «قانونیت، مصونیت، عدالت» اولین گروهی که به اعدام گاه اعزام گردید عبارت بودند از یک گروهی سی نفری که نامهای شان به حافظه ام نمانده ولی تنها رفیق گرامی ام انجینر "قیوم ترین" که در جمع آنها بود هرگز فراموشم نخواهد شد یاد و خاطره اش گرمی باد . درست یک ماه بعداز جلوس امین (۲۸ میزان ۱۳۵۸).

برفباری شدید اوایل ماه جدی سال ۱۳۵۸ ، محوطه محبس را به رنگ سفید پوشانیده بود . پل هوایی طیارات غولپیکر روسی در فضای کشور نوید شوم و بدی را به مردم کشور و زندانیان پیام می داد . تبصره ها از همه طرف در بین زندانیان پس پسک می شد . در بلاک دوم که عده زیادی از پرچمی ها زندانی بودند ولی عده کثری از مخالفین آنها از پیشبینی های شان جمعبندی داشتن که بالمثل کشور چکسلواکیا روس ها به افغانستان تعرض نظامی کردند . تنها پرچمی های زندان از تمام ماجرا آگاهی حاصل نموده بودند و دیگر زندانیان را تحت نظر داشتند که کی ، کی است و عکس العمل از چه قرار می باشد .

ولی یکی دو نفر از زندانیان سیاسی آن زمان که درجه دکتورا هم دارند به یک تجاها عارفانه در خاطرات شان می نویسند که ممکن مجاهدین به طرف پلچرخی در حرکت باشند و یا جنگ در بین مجاهدین و دولت شدت گرفته و یا روس ها به کمک حزب دموکراتیک خلق لشکر کشی نموده اند . تا جایی که به خاطر دارم هر زندانی به این نتیجه رسیده بود که روسها به اشغال افغانستان و دفاع از مزدورانش عمل خواهد کرد و هیچ تبصره از مجاهدین در بین نبود. بعد از اکمالت نظامی پنج روز اول ماه جدی ۱۳۵۸ در شب ۵/۶ که مصادف به روز پنجشنبه بود عملیات نظامی قوای مخصوص کماندوئی سوسیال امپریالیزم از قصر دارالامان آغاز گردید. ساعت پنج بعداز ظهر بود که اعلام رفتن به سلول ها از جانب شایسته قومندان محبس از بلند گوی صحن محبس پلچرخی شنیده شد ، همه زندانیان هر کس در سلولش بالای بستر در حالت سکوت منتظرانه نفس می کشیدیم تا صدای فیر های ماشیندار و توپ شنیده شد. آواز فیر ها نزدیکتر شده می رفت ، صدای محافظین و منسوبین خاموش بود در سکوت مرگبار زندان تنها صدای فیر به گوش می آمد ؛ اگرچه پرچمی ها از ماجرا آگاهی کامل داشتند و با نزدیک شدن صدای فیرهای خفیف و ثقیل هیجانی و وارخطا بودند . فیر ها آنقدر نزدیک شد که صدای اصابت مرمی ها به دیوار های زندان به آسانی احساس می شد و فیر های توپ های تانک های زره دار تعمیر بلاک را می لرزانید ولی سکوت مرگبار زندانیان آنقدر زیاد شده بود که هر زندانی صدای ضربات قلبش را در قفس سینه به آسانی شنیده می توانست تا این که صدای محافظین بلاک شنیده شد و طوری نمایان گردید که دروازه بلاک و قفل های سنگین آن شکستاده شد ؛ توأم با شکستن دروازه ها ، با شنیدن صدای بلند «تواریش» فهمیدیم که اشغال کشور و نبرد آزادیخواهی به مرحله جدیدش رسید .

استقبال گرم پرچمی ها و هورا کشیدن آنها با عساکر متجاوز سوسیال امپریالیزم شوروی وقت از عقب میله های زندان و بوی تعفنش برای زندانیان زجر دهنده بود .

رادیو های جیبی که نزد پرچمی ها مخفی وجود داشت علنی شد آنها سراپا در حال گوش نمودن بودند و خبر ها را به دیگر زندانیان انتقال می داند تا این که ساعت یک بجه شب صدای لرزان ببرک شید که می گفتن از تاجکستان است مرحله تکاملی و نوین « انقلاب ثور » و تشکل جدید رفقاء را اعلام نمود. بحق که برای اکثر زندانیان وطنپرست زجر دهنده و حتی کشنده بود. و حتی چند نفر محدود پرچمی ها اظهار و اقرار می نمودند که کاری خوب نشد . چون هر انسان آگاه می دانست که غده سرطانی هفت ثور گندیده تر و خبیثه تر می شود .

پیامد های این روز نحس و شوم برای مردم زحمتکش و فقیر کشور ما بس گران و دشوار تمام شد :

روس ها به مشوره مشاوران شان و کادر های حزب «دموکراتیک خلق» به ویژه شاخه پرچم به چند ریفورم سطحی و تاکتیکی در قدم نخست دست به کار شدند .

عفو عمومی زندانیان سیاسی ، برگشت از اصلاحات اراضی ، تشکیل جبهه ملی پدر وطن ، تشکیل شورای علمای اسلام ، و اعلان عودت مهاجران به کشور و اوطان شان . ولی هیچ کدامی از اینها مؤثر واقع نگردید در عوض جنگ عادلانه خلق های افغانستان شدت گرفت و عده ای از روشنفکران ملی و انقلابی که در عفو عمومی رها شده بودند با عده دیگری از روشنفکران آزاده که در دوره قبلی زندانی نشده بودند و در نبرد رویاروی با دشمن فعالیت داشتند مجدداً راهی شکنجه گاه ها و زندانها شدند ؛ که شمارش زندانیان سیاسی ده چند اضافه تر از دوره های گذشته بود .

نام ماشین آدم کشی که در دوران "امین" از "اگسا" به "کام" تغییر یافته بود ، اکنون به "خاد" مسما شد ولی عمل و طرز کار گردانندگان از عین سرشت برخوردار بودند ، کشتار و شکنجه آزادیخواهان شدت نمود و احساسی هیچ تغییری دیده نمی شد .

جهت سرکوب خشم خلق به پا خاسته افغان عملیات های محاربه ای و بمباردمان های شبها روزی با پرتاب بمب های ۲ - ۳ هزار کیلوگرمی و خوشه ای تمام زیربنای اقتصادی مردم زحمتکش ما نابود گردید که شامل سیستم آبیاری و زمین های زراعتی بود .

دادو سند تجارتي و معاملات بازاری در ولایات در وضع نابود شدن و تنها در کابل به یک نسبت کمی ، کار و بار تجارتي مانند گذشته ادامه داشت .

اردوی کشور در حال فروپاشی ، و فرار عساکر با سلاح و تسلیمی قطعات رو به افزایش و گراف صعودی را اختیار نمود .

و بعد از گذشت یک و نیم دهه اردوئی که در حالت متلاشی و کمبود پرسونل به حد انتهای نزولی رسیده بود در زمان حکومت بربریت تنظیمی کاملاً با سلاح و وسایط نابود گردید .

تمام زیربنا های تحصیلی و علمی رو به رکود تا سرحد نابودی رسید . به خصوص در ولایات و ولسوالی ها همه مکاتب انانث و ذکور تخریب شد اگر در مرکز ولایات یکی ، دو مرکز تحصیلی درش باز بود ولی نصاب تعلیمی و دروس تطبیق نمی شد و اکثراً از کارت مکتب به غرض معافیت از جلب و احضار عسکری استفاده می کردند .

افغانستان طبق آمار ارزیابی شده بین المللی به مرکز کشت کوکنار و تولید مواد مخدر در سطح جهانی در ردیف اول قرار گرفت .

افغانستان به بازار فروش اسلحه غیر قانونی میدل گردید .

شش میلیون انسان آواره و بی خانمان ، مهاجر کشور پاکستان و ایران و دیگر کشور های جهان شدند ، در بین دهه هشتاد از هر دو مهاجر جهانی یکی آن افغان بود .

ضایعات انسانی دو میلیون تخمین شده و دو میلیون هم معیوب و زخمی .

به تعداد ۱۰ - ۱۵ میلیون مابین ضد پرسونل و وسایط در دهات، قصبات و شهرها ، ارتش شوروی فرش و بعد از شکستش این میراث شوم ارتش تجاوزگر سوسیال امپریالیزم از مردم کشور عزیز به خصوص اطفال قربانی می گیرد .

سرانجام حکومت خلقی پرچمی بعد از یک و نیم دهه کشتار و تخریب و نابودی جایش را با یک توافق برای برادران آدمخور تر از خودش خالی کرد . با به قدرت رسیدن گروه های اوباش و ارادل اخوانی با تبنانی حمایتگران شش جدی در چوکات تنظیم های هشتگانه و هفتگانه مزدوران پاکستانی ، ایران و سعودی کارد خونچکان شان از استخوان مردم زحمتکش ما نیز گذشت .

کشور به حکومت های پاتکی و محلی تقسیم و مردم زحمتکش و فقیر ما تا اکنون رنجش را می کشند .

امنیت و مصونیت فردی به کلی تخریب و هیچ کس مصونیت امنی و فردی ندارد .

آدم ربانی مروج و به اوج آن رسید . که در افغانستان تا پیش از حکومت های استعماری به هیچ صورت سابقه نداشت .

شیوع امراض ساری از اثر خرابی محیط زیست گریبان گیر هر افغان می باشد .

انتحار و بمب انتحاری مروج و همه روزه از مردم زحمتکش ما قربانی می گیرد .

باز هم افغانستان از نظر فساد اداری و رشوت در بین کشور های جهان در خط اول قرار دارد .

فقر و بیکاری مردم به حد اعظمی رسیده ، از اثر این مرض تعداد مبتلا به مواد مخدر از یک روز به روز دیگر افزایش می یابد .

طبق احصائیه وزارت صحت عامه شمارش معتادان به مواد مخدر به دو میلیون می رسد که از جمله ۳۰٪ آن زنان و کودکان می باشد . و سرانجام این پیامد های نامیمون باز هم به اشغال کشور توسط کشور های امپریالیستی و شرکاء انجامید .

پیامد های این دوره فصلی جدیدی از دوران تکاملی گذشته می باشد ، که ضرورت به یک نبشته تحلیلی جداگانه دارد . این بود به طور مختصر پیامد های شوم شش جدی و عملکرد حزب « دموکراتیک خلق - پرچم » .
به امید آزادی بی قید و شرط کشور عزیز ما .
دگرمن احمد کندهاری .

۱۳۹۴ مطابق به ۶ جدی ۱۲/۲۷/۲۰۱۵